

ایستادگی



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد بندرانزلی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق

گرایش: فقه و حقوق جزا

عنوان:

بررسی مبانی فقهی مرور زمان با رویکردی بر قوانین جزایی ایران

استاد راهنما

دکتر محمدصادق محسن زاده

نگارش

مرضیه غفار پور

تابستان ۱۳۹۷

تقدیم به :

تقدیم با بوسه بر دستان پدرم به او که نمی دانم از بزرگی اش بگویم یا مردانگی سخاوت، سکوت، مهربانی.

تقدیم به مادر مهربانم که زندگی ام را میون مهر و عطفوت اومی دانم.

تقدیم به همسر عزیزم ، همراه همیشگی و پشتیبانی زندگی ام.

سپاسگزاری:

حمد و سپاس می‌کنم از خداوند بیکانه که با نهادن شمه‌ای از لطف بی‌بدلیش بر این بنده‌ی حقیر منت نهاد و قدرت انبیشدن، تفکر و درک را در وجودم برودیعاً نهاد تا می‌آموزم، پند می‌شوم و بنویسم. در اینجا لازم می‌دانم که تقدیر و تشکر شایسته از استاد فرهیخته و فرزانه آقای دکتر محمد صادق محسن زاده که با نکته‌های دلاویز و گفته‌های بلند، صحیفه‌های سخن را علم پرور نمود و همواره راهنما و راهنمای من در اتمام پایان‌نامه‌ی حاضر بوده است به‌علل آورم.

هم‌چنین تشکر دوم را از همسر عزیزم که از راهنمایی و مشاوره ایشان در نگارش این پایان‌نامه بهره‌بردم، به‌علل آورم.

در این میان از زحمات سایر اساتیدی که در طول انجام این پایان‌نامه در طول تحصیل از بدو ورود به عرصه‌ی علم، تا به امروز که از محضر ایشان بهره‌برده‌ام، قدر دانی به‌علل آورم.



به نام خدا

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بندرانزلی

مشور اخلاقی پژوهش

بایاری از خداوند سبحان و اعتقاد بر این که علم محضر خداست و به‌نوعی ناظر بر اعمال انسان و به‌مشور پاسبان است مقام بلند دانش و پژوهش و نظریه اهمیت جایگاه دانشگاه در عملی فرهنگ و تمدن بشری، مادانجویان و اعشاء حیات علمی واحد های دانشگاه آزاد اسلامی متمم می‌گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

۱. اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از حرکت پنهان سازی حقیقت.
۲. اصل رعایت حقوق: الزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
۳. اصل مالکیت مادی و معنوی: تمهید به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه بهکاران پژوهش.
۴. اصل منافع ملی: تمهید به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
۵. اصل رعایت انصاف و امانت: تمهید به اجتناب از حرکت جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منافع در اختیار.
۶. اصل رازداری: تمهید به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهاد های مرتبط با تحقیق.
۷. اصل احترام: تمهید به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب نهد و نموداری از حرکت حرمت شکنی.
۸. اصل ترویج: تمهید به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و اتمال آن به بهکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
۹. اصل برانست: الزام به برانست جویی از حرکت رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شبه های غیر علمی می آلاینند.

نام و نام خانوادگی، تاریخ و امضاء: مرضیه غفار پور

فرم شماره ۹
دانشجویان نیمسال
اول ۹۵ و بعد از آن

موضوع رشته حقوق مهم شماره ۱۰
۱۴۵ هفته و نیم تمام می باشد



باسمه تعالی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرانزلی

۹۷/۱۴۵

« صور جلسه دفاع »

فرم ارزشیابی نهایی فعالیت پژوهشی (پایان نامه) دانشجو

نازمین احمدزاده

رژیشیابی توسط استادها مشاور داور(ان)

با استعانت از الطاف خداوند متعال جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد آقای/خانم مرضیه غفارپور دانشجوی رشته حقوق گرایش فقه و حقوق جزا به شماره دانشجویی ۹۵۰۱۹۲۲۶۹ و کد پایان نامه..... تحت عنوان بررسی مبانی فقهی مرور زمان با رویکردی بر قوانین جزایی ایران در تاریخ..... ۹۷/۲/۱۷ با حضور استادان محترم راهنما، مشاور، و هیات داوران در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرانزلی برگزار و با درجه..... به تصویب رسید.

امضا

امضا

نام و نام خانوادگی استاد راهنما: دکتر محسن زاده

امضا

نام و نام خانوادگی استاد مشاور:

امضا

نام و نام خانوادگی استاد داور: دکتر صفایی

امضا

نام و نام خانوادگی استاد داور: دکتر رضایی

رژیشیابی توسط حوزه معاونت پژوهش و فناوری

پس از بررسی نتایج حاصل از الف) پذیرش یا چاپ مقاله در مجلات معتبر ب) فرستادن (submission) مقاله به مجلات معتبر ج) انصراف دانشجو از ارزیابی مقاله و ارزیابی فرم ۱۴، پایان نامه با درجه..... به تصویب رسید.

مدیر پژوهش و فناوری

کارشناس پژوهش و فناوری



معاون پژوهش و فناوری

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرانزلی

نازمین احمدزاده

توجه: لطفا فرم توسط دانشجو به صورت تایپ شده تکمیل گردد.

۱- براساس نمره اخذ شده از فرم شماره ۱۰ (حداکثر ۸ نمره) یکی از درجات خوب، قابل قبول و غیر قابل قبول تعلق می گیرد.

۲- براساس احراز موارد الف و ب به ترتیب درجات عالی و بسیار خوب تعلق می گیرد و در صورت انصراف دانشجو از ارزیابی مقاله درجه تعیین شده در بخش اول به عنوان درجه نهایی تصویب می گردد.



تعهد اصالت پایان نامه

اینجانب مرضیه غفار پور دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد در رشته حقوق که در تاریخ ۹۷/۶/۱۷ از پایان نامه خود تحت عنوان بررسی مبانی فقهی مرور زمان با رویکردی بر قوانین جزایی ایران با کسب نمره و درجه خوب دفاع نموده ام بدین وسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطعی زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی مرضیه غفار پور

تاریخ و امضاء

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
۲	فصل اول: کلیات
۳	۱-۱ تعریف لغوی مرور زمان
۳	۲-۱ تعریف اصطلاحی مرور زمان
۵	۱-۲-۱ تعریف مرور زمان در فقه
۶	۲-۲-۱ مرور زمان در حقوق
۷	۳-۱ انواع مرور زمان
۷	۱-۳-۱ مرور زمان عام و خاص
۸	۲-۳-۱ مرور زمان مسقط حق
۸	۳-۳-۱ مرور زمان مسقط حق دعوی
۸	۴-۳-۱ مرور زمان تجاری
۹	۵-۳-۱ مرور زمان وصلت
۹	۶-۳-۱ مرور زمان مدنی
۹	۷-۳-۱ مرور زمان کیفری (جزایی)
۱۰	۴-۱ مقایسه مرور زمان مدنی و کیفری (جزایی):
۱۲	۵-۱ بررسی مبانی فقهی مرور زمان کیفری
۱۲	۱-۵-۱ انواع مجازات
۱۳	۲-۵-۱ جرائم حدی
۱۴	۶-۱ مرور زمان جرائم حدی در مذاهب اسلامی
۱۶	فصل دوم: آثار و احکام شرایط حصول مرور زمان کیفری
۱۷	۱-۲ مرور زمان و دلایل خاص فقهی
۱۷	۲-۲ اصول و قواعد فقهی مرور زمان
۱۷	۱-۲-۲ قاعده‌ی اعراض
۱۷	۱-۱-۲-۲ مبانی قاعده‌ی اعراض

- ۱۷-۲-۱-۱-۱ روایات..... ۱۷
- ۱۸-۲-۱-۱-۲ اجماع..... ۱۸
- ۱۸-۲-۳ قلمرو قاعده‌ی اعراض..... ۱۸
- ۱۸-۲-۳-۱ قاعده‌ی اسقاط و ابراء..... ۱۸
- ۱۹-۲-۳ قاعده‌ی حیات..... ۱۹
- ۱۹-۲-۳-۳ قاعده استحسان..... ۱۹
- ۱۹-۲-۴ مرور زمان در فقه اسلامی..... ۱۹
- ۲۱-۵-۱ دلایل عدم قبول مرور زمان مدنی در فقه امامیه..... ۲۱
- ۲۳-۲-۶ مرور زمان کیفری در فقه امامیه..... ۲۳
- ۲۳-۲-۷ مرور زمان در جرائم مستوجب حد از دیدگاه فقه امامیه..... ۲۳
- ۲۵- فصل سوم: بررسی ادله فقهی مرور زمان در قوانین جزایی..... ۲۵
- ۲۶-۳-۱ ادله‌ی پذیرش مرور زمان در جرائم حدی..... ۲۶
- ۲۶-۲-۳ مدت مرور زمان کیفری..... ۲۶
- ۲۶-۳-۳ مبدأ مرور زمان تعقیب یا جرم..... ۲۶
- ۲۷-۳-۴ مبدأ مرور زمان کیفری..... ۲۷
- ۲۷-۳-۴-۱ مبدأ مرور زمان در جرائم مستمر..... ۲۷
- ۲۷-۳-۴-۲ مبدأ مرور زمان در جرائم اعتیادی..... ۲۷
- ۲۸-۳-۴-۳ مبدأ مرور زمان در جرائم مرکب..... ۲۸
- ۲۹-۳-۴ آثار مرور زمان کیفری..... ۲۹
- ۲۹-۳-۵-۱ امری بودن مقررات مرور زمان..... ۲۹
- ۲۹-۳-۵-۲ مرور زمان و اعتبار امر محکوم‌به..... ۲۹
- ۳۰-۳-۵-۳ توجه به مرور زمان در تمام مراحل دادرسی..... ۳۰
- ۳۰-۳-۵-۴ مرور زمان کیفری و حقوق شاکی و مدعی خصوصی..... ۳۰
- ۳۰-۳-۵-۵ مرور زمان کیفری و مجازات تبعی و تنیمی..... ۳۰
- ۳۱-۳-۷ ادله‌ی مرور زمان در تعزیرات..... ۳۱
- ۳۲-۳-۸ نظرات حقوقدانان در خصوص مرور زمان..... ۳۲

۳۲	۳-۸-۱ نظریه فراموشی و نسیان جامعه
۳۲	۳-۸-۲ نظریه اصلاح مجرم در نتیجه مرور زمان
۳۳	۳-۸-۴ جنبه بازدارندگی مجازات و مرور زمان
۳۴	۳-۱۰-۱ انقطاع مرور زمان کیفری
۳۴	۳-۱۱-۱ آثار انقطاع مرور زمان کیفری
۳۵	۳-۱۲-۱ انواع انقطاع
۳۵	۳-۱۲-۱-۱ انقطاع محدود
۳۵	۳-۱۲-۲-۱ انقطاع نامحدود
۳۵	۲-۱۳-۱ تعلیق مرور زمان
۳۵	۳-۱۴-۱ علل تعلیق مرور زمان کیفری
۳۶	۳-۱۵-۱ آثار تعلیق مرور زمان کیفری
۳۶	۳-۱۶-۱ وجه تشابه و افتراق تعلیق و انقطاع مرور زمان کیفری
۳۷	نتیجه گیری
۳۹	پیشنهادات
۴۰	منابع و مأخذ

بررسی مبانی فقهی مرور زمان با رویکردی بر قوانین جزایی ایران

مرضیه غفار پور

چکیده:

با بررسی در کتب و روایات فقهی و نیز قوانین موضوعه در کشور می‌توان دریافت که امروزه در قوانین جزایی کشور قاعده مرور زمان یکی از مباحث مهم در امر کیفری می‌باشد. این قاعده که در طول مدت قانون‌گذاری کشور دچار تغییرات عدیده گردید همیشه مورد توجه حقوقدانان و علمای فقهی قرار داشته به گونه‌ای که در قوانین قبل از انقلاب مرور زمان به صورت کامل مورد قبول قانون‌گذار قرار داشته اما در قوانین بعد از انقلاب ابتدا به صورت کلی حذف و سپس به صورت مقید و مشروط در قوانین کیفری گنجانده شده که در مجازات اسلامی که در سال ۹۲ به تصویب رسیده مجدداً به صورت ماهوی ظاهر شده است.

آنچه از عموماًت فقهی نیز قابل استنباط است این است که مرور زمان با برخی از قواعد فقهی سازگار است همچنین در فقه عامه مجازات‌های تعزیری و حکومتی (بازدارنده) بطور اجماعی مشمول مرور زمان می‌گردد، لکن در فقه شیعه این مسئله عنوان صریحی ندارد، اما با توجه به اصول حاکم در فقه امامیه می‌توان مرور زمان را در تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده بطور کامل پذیرفت. در پژوهش حاضر پس از تحقیق و مطالعه می‌توان به این نتیجه رسید که در قانون مجازات اسلامی جدید قاعده مرور زمان نسبت به قانون مجازات سابق توسعه بیشتری یافته است. به طور کلی مبحث مرور زمان در مواد ۱۰۵ الی ۱۰۹ ق.م.ا. جدید قید گردیده است که با دقت در این مواد می‌توان دریافت که تنها قاعده مرور زمان در جرائم تعزیری قابلیت اعمال داشته و سایر جرائم از جمله حدود، قصاص و دیات از شمول این قاعده خارج می‌باشند.

البته در برخی از جرائم تعزیری نیز امکان اعمال این قاعده میسر نمی‌باشد که مصادیق آن در ماده ۱۰۷ ق.م.ا. جدید بیان شده است. اگر بخواهیم مرور زمان را با قواعد و اصول فقهی و حقوقی تطبیق دهیم می‌توان گفت که این قاعده با قواعد فقهی و حقوقی سازگار می‌باشد. البته بر اساس فقه امامیه با توجه به دلایل و روایات که مورد استخراج قرار گرفته چنین می‌توان برداشت نمود که اجماع بر عدم قبول مرور زمان در امر مدنی می‌باشد. اما در خصوص اعمال قاعده مرور زمان در امور کیفری همان گونه که قانون‌گذار این موضوع را قابل پذیرش دانسته اکثر فقهای امامیه نیز بر قبول مرور زمان در بحث کیفری تأکید کرده و مورد قبول دانسته‌اند.

واژگان کلیدی: مرور زمان، مبانی فقهی مرور زمان، قوانین جزایی مرور زمان

فصل اول

کلیات

۱-۱ تعریف لغوی مرور زمان

مرور زمان در فرهنگ حقوقی عرب، اغلب با عنوان التقادم و گاه مرور الزمن یا مضي المدت بیان می‌شود (به نقل از مقاله مرور زمان در جرائم مستوجب حد و تعزیر ساریخانی از جیرار کورنو - معجم المصطلحات القانونیه - ترجمه منصور القاضی - ج ۱ - ص ۵۲۹) و مرور زمان در لغت به معنای سپری شدن و گذشتن زمان است. (شیری، عباس، سقوط مجازات در حقوق کیفری اسلام و ایران، ص ۲۳۷) لکن ناظر به قضا، یعنی در مرحله رسیدگی به دعوا و صدور حکم مطرح می‌شود. بنابراین ماهیتاً یکی از مباحث مهم آئین دادرسی است. در قوانین، مرور زمان کیفری تعریف نشده است. اما حقوق دانان تعریف‌های گوناگونی از آن نموده‌اند. برخی مرور زمان کیفری را این‌گونه تعریف کرده‌اند. مرور زمان صفتی، عارض بر حق مجازات به خاطر گذشت زمان است، که لازمه آن منع از ادامه دعوا یا اجرای مجازات است (به نقل از مقاله مرور زمان در جرائم مستوجب حد و تعزیر ساریخانی از نبراوی - ۲۹۵ - نبیل - عبد الصبور - سقوط حق فی العقاب بین الفقه الاسلامی و التشریح الوضعی - دارالفکر العزبی - بیروت)

برخی دیگر در تعریف آن گفته‌اند مرور زمان کیفری عبارت است از گذشتن مدتی است که پس از آن از دیدگاه قانونی، اعلام شکایت یا تعقیب و تحقیق و رسیدگی به دعاوی عمومی و سرانجام اجرای مجازات امکان‌پذیر نیست. (آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، ص ۱۶۲)

در تعریف دیگری آمده که: مرور زمان کیفری، عبارت است از گذشتن مدتی که به موجب قانون، پس از انقضای آن مدت، تعقیب جرم یا اجرای حکم کیفری موقوف می‌شود. به عبارت آخری، هرگاه رسیدگی به جرم یا اجرای حکم قطعی کیفری، مدت معینی به تعویق افتد دیگر به آن جرم رسیدگی نشده و حکم قطعی به موقع اجرا گذاشته نمی‌شود در این صورت جرم، مشمول مرور زمان شده است. (آخوندی، محمد، آیین دادرسی کیفری، ج اول، ص ۱۶۸)

۲-۱ تعریف اصطلاحی مرور زمان

عرف عوام از عبارت مرور زمان معنایی بیشتر از حرکت و گذشتن زمان استنباط نمی‌کند و در زبان محاوره‌ای ممکن است این عبارت در هر موضوعی که به نحوی باگذشت زمان ارتباط دارد بکار رود.

اما حقوق دانان معنای خاصی را از عبارت مذکور استنباط می‌کنند، به طور اطلاق در علم حقوق «مرور زمان» به معنای گذشتن مدتی از زمان که سپری شدن آن مدت، اثرات خاصی در حقوق مدنی یا کیفری دارد، بکار می‌رود.

ارائه تعریفی واحد از مرور زمان که همه مصادیق آن را در برگیرد و جامع و مانع باشد ممکن نیست و لذا تعریف جامعی از مرور زمان در قوانین و نوشته‌های علمای حقوق دیده نمی‌شود و از این عبارت در قوانین مختلف کشورها به حسب خصوصیات که دارد تعاریفی مختلف شده است و در حقیقت از هر تعریفی نوع خاصی از مرور زمان اراده شده است.

بنا بر تعریفی که در قانون مدنی فرانسه از مرور زمان شده است «مرور زمان» وسیله تملیک یا برائت ذمه است بر اثر گذشتن مدتی معین با شرایطی که قانون معین کرده است. (مدنی، دکتر جلال‌الدین، آئین دادرسی مدنی، جلد ۲، انتشارات گنج دانش، ۱۳۵۷، ص ۶۲۴)

در این تعریف، از مملک یا مسقط حق بودن مرور زمان سخنی به میان نیامده است و تنها گفته شده است که پس از مدتی، دعوا قابل استماع نیست و به عبارتی کهنه می‌شود. قانون‌گذار خواسته است از داوری نسبت به واقع در چنین شرایطی بپرهیزد و به وظایف دیگر قاضی، یعنی فصل خصومت، ایجاد ثبات در روابط حقوقی، حفظ نظم و صلح در جامعه تأکید می‌کند. در واقع قانون‌گذار تسلیم این واقعیت شده است که نظام اجتماعی اقتضا می‌کند که از یک تصرف مالکانه متمادی باید حمایت شود و پس از گذشت مدتی نباید و نمی‌توان به منشأ آن دست یافت. به نظر قانون‌گذار، دعوایی که موضوع آن بر هم زدن چنین تصرف یا مطالبه چنین دیونی باشد، ورود در آن به آسایش عمومی خلل وارد می‌کند اصولاً بسیار دشوار است. بنابراین، رسیدگی به این دعاوی را در شرایطی باید ممنوع نمود. (متین دفتری، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج ۲، ش ۳۶۷، شفایی، اسلام و قانون مرور زمان ص ۲۰-۱۸)

پروفسور رنه گارو در تعریف و تفکیک اقسام مرور زمان معتقد است که در حقوق مدنی دو نوع مرور زمان داریم: یکی مرور زمان تصرف و دیگری مرور زمان برائت، اما در حقوق جزا مرور زمان‌ها، قاطع تعقیب و موجب رهایی متهم از مجازات هستند. حقوق اجتماعی مقتضی تعقیب متهم و سپس مقتضی اجرای مجازات بعد از محکومیت است و مرور زمان هر دو اقدام فوق را تعطیل و متوقف می‌سازد. (رنه، پروفسور گارو، مطالعه نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه دکتر سید ضیاء الدین نقایت، انتشارات حقوقی ابن سینا، ۱۳۴۴، ص ۶۴۷)

این دو تعریف ذکر شد تا نتیجه بگیریم که مرور زمان لفظی است که قانون‌گذاران در کشورهای مختلف آن را بر معانی متفاوتی وضع می‌کنند و تعریفی که در حقوق کشوری از این عبارت ارائه می‌شود بر اساس اوصاف و آثاری که در قوانین همان کشور از مرور زمان آورده‌اند استوار است و بعلاوه انواع مختلف مرور زمان در حقوق کارکرد و آثار متفاوت و در نتیجه تعریف غیر واحدی نیز دارند.

اما شاید با مسامحه بتوان مرور زمان حقوقی، را گذشت مدتی دانست که پس از آن مدت تعیین شده در قوانین کشورها، تحت شرایطی که در قانون پیش‌بینی شده است مراجع صالحه قضائی و قانونی از استماع دعاوی

که منشأ آن‌ها به گذشته‌های دور برمی‌گردد و تعقیب متهمین به ارتکاب جرم در زمان‌های گذشته دور و یا اجرای احکام مدنی یا کیفری که مدتی طولانی از زمان صدور و قطعیت آن گذشته، امتناع کنند و موضوع را مشمول مرور زمان بدانند.

در تعریف مرور زمان کیفری از عبارات مختلفی استفاده شده است که عصاره همه آن‌ها را می‌توان به این صورت بیان داشت :

مرور زمان کیفری عبارت است از سپری شدن مدتی که پس از آن از نظر قانونی اعلام شکایت، تعقیب، تحقیق، رسیدگی به دعوی عمومی و سرانجام اجرای مجازات امکان‌پذیر نیست. (آشوری، آیین دادرسی کیفری، ج ۱ ص ۱۶۲)

۱-۲-۱- تعریف مرور زمان در فقه

در مقدمه‌ی باب دوم از کتاب (الدعوی) که غیر از دو کتاب (قضاء) و (بینات) است، درباره‌ی مرور زمان آمده است:

مرور زمان عبارت است از منع استماع دعوا، بعد از این که در مدت معلومی ترک شده باشد و این منع غیر قیاسی است، مقصود از غیر قیاسی این است که موافق با قواعد و اصول مسلمه‌ی کلی نیست، چه آنکه حق با گذشت زمان ساقط نمی‌شود، بلکه منع مزبور از باب استحسان است و وجه استحسان جلوگیری از حيله، تقلب و تزیور است، زیرا ترک دعوا در یک زمان ممتد ظاهراً دلیل است بر نبودن حق، چنانکه یکی از مستثنیات قانون مرور زمان آن است که هر وقت علت منتفی گردد، دعوی که در ظرف مدت معینی اقامه نشده است قابل استماع نخواهد بود. (دفتری، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۱۸ و ۲۱۷)، در منابع و متون فقهی امامیه، مرور زمان آشکارا به مفهوم حقوقی و امروزی آن مطرح نشده، ولی در بعضی منابع حدیث فقه و برخی متون فقهی، روایاتی هست که نوعی مرور زمان را در مواردی مشخص، مانند مستغلات اعم از زمین و ساختمان، و گاه به‌طور عام تأیید می‌کند از آن جمله در کتاب احیاء الموات، بابی با عنوان «من عطل ارضاً ثلاث سنین ومن ترک مطالبه حق له عشر» دارد. در این روایات آمده است که (اگر شخصی زمینی را سه سال متوالی و بدون دلیل رها کند، زمین از او گرفته و به دیگری واگذار می‌شود، یا کسی که زمینی از او گرفته شده، اگر تا سه سال برای باز پس گرفتن آن اقدام نکند، دیگر حق مطالبه‌ی آن را ندارد. (عاملی، ۱۴۱۴، ق، ج ۱۷، ص ۴۳۴)

همچنین به‌طور مطلق آمده است که هر کس به مدت ده سال برای مطالبه از حقیش اقدام نکند، پس از آن حق درخواست آن را ندارد. در ماده‌ی ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی سابق، مرور زمان چنین تعریف شده است: «مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت، دعوی شنیده نمی‌شود.» که ظاهراً این تعریف مصداق «تعریف شیء به اثر و غایت یا معرفی شیء بر مبنای نتیجه‌ی مترتب بر آن»

با توجه به تعریف مذکور، می‌توان گفت: مرور زمان، دعوی مدعی را دران جام تعهد غیر مسموع نموده و درواقع توانایی صاحب حق را در اجبار متعهد بر انجام تعهد از طریق قضایی، سلب می‌نماید. در این رابطه ماده‌ی ۲۲۱۹ قانون مدنی فرانسه در تعریف مرور زمان می‌گوید:

مرور زمان وسیله‌ی تملک یا برائت ذمه است، بر اثر گذشت مدتی معین و با شرایطی در قانون معین کرده است. در این تعریف مرور زمان، مملک یا مسقط حق قلمداد شده است.

۱-۲-۲ مرور زمان در حقوق

برخی مرور زمان کیفری را این‌گونه تعریف کرده است: «مرور زمان، صفتی عارض برحق مجازات به خاطر گذشت زمان است، که لازمه‌ی آن منع از ادامه‌ی دعوا یا اجرای مجازات است.» (ساریخانی، ۱۳۸۰، ش ۲۶، ص ۱۰۰)، (دکتر سمیعی) مرور زمان جزایی را این‌گونه تعریف نموده‌اند: «مرور زمان جزایی عبارت است از گذشتن مدتی است که از تاریخ ارتکاب جرم یا از تاریخ صدور حکم مجازات بدون اینکه مجرم مورد تعقیب قرار گرفته و یا حکم صادره برحق او به مورد اجرا گذاشته شده باشد، در تمام صور مزبور مجرم دیگر قابل تعقیب نبوده و حکم صادره نیز قابل اجرا نخواهد بود.» در تعریف مرور زمان کیفری از عبارات‌های مختلفی استفاده شده است که عصاره‌ی همه‌ی آنها را می‌توان به این صورت بیان داشت:

مرور زمان کیفری عبارت است از سپری شدن مدتی که پس از آن، از نظر قانونی اعلام شکایت، تعقیب تحقیق، رسیدگی به دعوی عمومی و سرانجام اجرای مجازات امکان‌پذیر نیست. به بیان دیگر هرگاه رسیدگی به جرم یا اجرای حکم قطعی کیفری مدت معینی به تعویق افتد، دیگر به آن جرم رسیدگی نشده و حکم قطعی به اجرا گذاشته نمی‌شود، در این صورت می‌گویند جرم مشمول مرور زمان شده است. (آشوری، ۱۳۷۸، ص ۱۶۲) برخلاف قانون آیین دادرسی کیفری که مرور زمان را فقط در خصوص مجازات بازدارنده یا اقدامات تأمینی و تربینی مجاز دانسته بود، در قانون جدید قانون‌گذار با حذف مجازات بازدارنده مرور زمان را در جرائم تعزیری پذیرفته است. لازم به ذکر است که در خصوص جرائم حدی مستوجب قصاص و دیه مرور زمان وجود ندارد و گذشت زمان موجب از بین رفتن حق نمی‌شود. این قاعده به منظور جلوگیری از طرح و احیا دعوی و شکایت مرده است و بر ثبوت و ثبات وضعیت حقوقی کنونی دلالت می‌کند. یعنی اینکه طرفین دعوا به علت گذشتن مدت زمان قانونی، دیگر حق اقامه‌ی دعوی نخواهند داشت. لازم به ذکر است که مرور زمان در صورتی خواهد بود که شاکی به محکمه دسترسی داشته و از شکایت صرف‌نظر نماید و در صورتی که به محکمه دسترسی نداشته باشد، موضوع شامل مرور زمان نمی‌شود.

از حیث قلمرو و حوزه اعمال قاعده‌ی مرور زمان، می‌توان آن را چنین تقسیم کرد:

۱. مرور زمان مدنی: گذشت مدتی که پس از آن دعوی مدنی از سوی دادگاه شنیده نمی‌شود.

۲. مرور زمان جزایی: سپری شدن مدتی از تاریخ ارتکاب جرم و تعقیب مجرم، که پس از آن مدت، دیگر مجرم قابل تعقیب نیست. یا مرور مدتی از تاریخ صدور حکم مجازات و عدم اجرای آن، که پس از آن مدت، دیگر حکم قابل اجرا نخواهد بود.

۳. مرور زمان اجرایی: گذشت زمان قانونی برای اجرای احکام، قرارهای قابل اجرا و اسناد رسمی لازم الاجرا.

۴. مرور زمان تجاری: سپری شدن مدتی که پس از آن، دعوای تجاری خاصیت تجاری خود را از دست می‌دهد.

۵. مرور زمان دعوای اقامه شده که با انقضای آن مدت از آخرین اقدام، دعوا ساقط می‌گردد. (دیلمی، ۱۳۸۴، ص ۴۰)

۱-۳ انواع مرور زمان:

مرور زمان عام و خاص، مرور زمان مسقط حق، مرور زمان مسقط حق دعوی، مرور زمان تجاری، مرور زمان وصلت، مرور زمان مدنی، مرور زمان کیفری (جزایی)

۱-۳-۱ مرور زمان عام و خاص:

هدف از مرور زمان در قوانین جمهوری اسلامی، بررسی سیره و سلوک عملی و به ویژه مرجع رسمی اعلام مشروعیت قوانین، در قبال مرور زمان در مفهوم عام و خاص است. مقصود از مرور زمان عام مراد از مرور زمان عام، هر گونه گذشت زمان، مهلت و موعدی است که شخص با سپری شدن آن، حقی را از دست داده و یا واجد حقی از جمله حق اقامه ی دعوا می‌گردد. (دیلمی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۰). این قسم از مرور زمان ناظر بر دعوای خاصی نبوده بلکه احکام کلی هستند که دادرس با تطبیق آن بر دعوای مدنی و کیفری متعدد و متنوع، در خصوص شمول یا عدم شمول مرور زمان نسبت به دعوای خاصی اظهار نظر و تصمیم لازم را اتخاذ می‌کند. آنچه که در مواد ۴۸ الی ۵۳ ق.م.ع. مصوب ۱۳۵۲ و مواد ۷۳۱ و بعد آ.د.م. مصوب ۱۳۱۸ ه ش ذکر شده از قسم همین دسته یعنی مرور زمان عام هستند.

مرور زمان خاص عبارت از مرور زمانی است که مقنن در مورد دعوای خاصی به دلیل وجود ویژگی منحصر آن، وضع می‌کند. مدت مرور زمان و شرایط آن به دلیل ملاحظات فردی یا اجتماعی خاصی که در یک دعوا وجود دارد با مقررات عام مرور زمان متفاوت است و این قسم از مرور زمان همراه با بیان حکم اصلی ذکر می‌شود بعنوان مثال در ماده ۱۰۳۹ ق.م. برای دعوای ناشی از به هم خوردن وصلت نامزدی مرور زمان خاص دو سال منظور شده بود. (ماده ۱۰۳۹ ق.م. در تاریخ ۷۰/۸/۱۴ به دلیل غیر شرعی دانستن مرور زمان از سوی شورای نگهبان، نسخ و حذف شد.) و یا در ماده ۱۱۶۲ همان قانون در مورد مرور زمان دعوی نفی ولد از سوی شوهر

مقرر شده است که مدت آن از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل شروع و تا مدتی که عادتاً برای اقامه دعوی لازم است ادامه می‌یابد که حداکثر این مدت دو ماه از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل است و احکام و شرایط دیگری در خصوص مبدأ مرور زمان مذکور در ماده ۱۱۶۳ ق.م. بیان شده است. در ماده ۱۱ قانون اصلاحی قانون چک مصوب ۱۳۵۵ که در تاریخ ۱۳۷۲ تصویب شد مرور زمان خاصی در نظر گرفته شده که باید آن را مرور زمان شکایت نامید.

۱-۳-۲ مرور زمان مسقط حق:

عبارت از مرور زمانی است که به موجب آن متصرف مال منقول و غیرمنقول بر اثر تصرفات مالکانه و مستمر در آن مال به مدتی که قانون تعیین می‌کند نسبت به آن مال‌دارای حق عینی اصلی می‌شود. در واقع این قسم مرور زمان را باید جزء اسباب مالکیت دانست که در حقوق مدنی کشور ما سابقه ندارد.

۱-۳-۳ مرور زمان مسقط حق دعوی:

مرور زمانی است که موجب سقوط حق دعوی از سوی بستانکار در محاکم، در صورتیکه در مدت معین قانونی برای وصول طلب خود طرح دعوی ننماید، می‌گردد. منظور از حق در عبارت «مسقط حق» حقی که طلبکار بر مدیون دارد نیست، فقط حق توسط به محاکم قضایی برای مطالبه حق و طلب اوست. بنابراین حق اصلی دائن بر مدیون بدون حمایت قانون باقی می‌ماند و با مرور زمان ساقط نمی‌شود.

۱-۳-۴ مرور زمان تجاری:

مرور زمانی است که در ماده ۳۱۸ و مواد بعدی ق.ت. و ماده ۲۸۶ و مواد بعدی همان قانون تشریح شده است. (مدتهای مرور زمان مقرر در مادتين ۲۸۷ و ۲۸۶ ق.ت. به حسب مورد ۳ و ۶ ماه بوده که براساس لایحه قانونی راجع به تمدید مهلت های مندرج در مواد ۲۸۷ و ۲۸۶ مصوب ۱۳۵۸/۲/۲۶ شورای انقلاب به یکسال و دو سال افزایش یافته است.) این مرور زمان ناظر بر دعاوی تجاری است که مرور زمان دعاوی چک، برات و بیمه از جمله مصادیق آن است البته مرور زمان کیفری چک که در ماده ۱۱ قانون چک مصوب ۱۳۷۲ تعریف شده است را نباید مرور زمان تجاری دانست.

مدت و شرایط دعاوی مربوط به بیمه در ماده ۱۲ قانون بیمه اجباری به این عبارت است «مرور زمان دعاوی بیمه موضوع این قانون از تاریخ وقوع حادثه دو سال است و هر نوع اقدام ذینفع به منظور مطالبه خسارت

اعم از ارسال نامه یا تلگرام یا اظهارنامه قاطع مرور زمان خواهد بود. مدت مرور زمان جدید پس از انقطاع یکسال است».

۱-۳-۵ مرور زمان وصلت:

نوع خاصی از مرور زمان است که در دعاوی ناشی از بهم خوردن نامزدی تعیین و در ماده ۱۰۳۹ ق.م.بیان شده بود. این ماده قانونی بطوریکه گفته شد به دلیل غیرشرعی دانستن مرور زمان از سوی شورای نگهبان در سال ۱۳۷۰ نسخ و از قانون مدنی حذف شده است.

۱-۳-۶ مرور زمان مدنی:

مرور زمانی است که در مواد ۷۳۱ و بعد ق.آ.د.م. مصوب ۱۳۱۸ ه. ش تعریف شده است به عبارت «گذشتن مدتی که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت، دعوی شنیده نمی شود». مواد مذکور که در مصوبات بعدی به دلیل مغایرت با موازین شرع انور اسلامی نسخ و حذف شده اند احکام و شرایط و موانع مرور زمان را در دعاوی که موضوع آن عین، دین، حق، منافع، اسباب تملک و امور مالی دیگر است تأسیس و تشریح نموده اند. (بعضی به غلط این قسم از مرور زمان را مرور زمان حقوقی نامیده اند که نادرست است و بلکه مرور زمان حقوقی در مقابل مرور زمان غیرحقوقی است و شامل انواع مرور زمانهایی است که در رشته های مختلف حقوقی جریان دارد.

۱-۳-۷ مرور زمان کیفری (جزایی):

مرور زمانی است که به حسب مورد از تاریخ وقوع جرم، شروع تحقیق و تعقیب کیفری، آخرین اقدام قضایی یا صدور حکم قابل اجرای کیفری آغاز و با گذشتن مدت مرور زمان، تعقیب متهم، صدور حکم کیفری و یا اجرای حکم قطعی کیفری موقوف می شود. این قسم از مرور زمان به دو قسم مرور زمان تعقیب و مرور زمان مجازات تقسیم می شود.

مرور زمان تعقیب: که به آن مرور زمان جرم نیز می گویند عبارت از گذشتن مدت قانونی است که از تاریخ وقوع جرم یا شروع تحقیق یا تعقیب مجرم، یا آخرین اقدام تعقیبی آغاز می شود. چنانچه تا پایان مدت مرور زمان، حکم کیفری در مورد متهم صادر نشود، تعقیب متهم و دادرسی کیفری موقوف و به اصطلاح حقوقی می گویند جرم مشمول مرور زمان شده است.

مرور زمان مجازات: عبارت از انقضای مدت معین قانونی است که از تاریخ صدور حکم کیفری قطعی و لازم الاجزاء آغاز می‌شود و چنانچه تا پایان مدت مذکور حکم اجرا نشود مشمول مرور زمان شده و اجرای مجازات موقوف می‌شود.

بعضی از نویسندگان دو مرور زمان کیفری دیگر را نیز تحت عنوان مرور زمان شکایت و مرور زمان صدور حکم نام می‌برند که آن‌ها را نیز باید اقسامی از مرور زمان تعقیب دانست که تاریخ شروع مدت آن با انواع دیگر مرور زمان تعقیب متفاوت است. (مدنی، دکتر سید جلال‌الدین، آئین دادرسی کیفری، انتشارات پایدار، چاپ دوم، ۱۳۸۰، ص ۴۹۳)

۱-۴ مقایسه مرور زمان مدنی و کیفری (جزایی):

با مروری بر مواد قانونی مربوط به مرور زمان و مطالعه آثاری که در این خصوص از حقوقدانان در دست است می‌توان عمده تفاوت‌های این دو نوع مرور زمان را در حقوق ایران به شرح ذیل برشمرد. با یادآوری این نکته که مرور زمان مدنی به شکلی که در مقررات قبلی کشور ما حاکم بود، در این مقایسه مدنظر است و این قسم از مرور زمان در کشورهای دیگر ممکن است موجد حق یا دارای آثار دیگری که در این مقایسه مورد توجه ما نیست.

در ابتدا به کمی تفصیل به تعریف مرور زمان مدنی می‌پردازیم :

مرور زمان) وسیله تملیک یا براءت ذمه است بر اثر گذشتن مدتی معین با شرایطی که قانون معین کرده است. (مدنی، دکتر جلال‌الدین، آئین دادرسی مدنی، جلد ۲، انتشارات گنج دانش، ۱۳۵۷، ص ۶۲۴)

در این تعریف مرور زمان از حیث آثار و نتایج، ایجادکننده حق یا ساقط کننده آن مطرح شده است که اولی (مرور زمان مملک) و دومی (مرور زمان مسقط) شناخته می‌شود. وجه مشترک این دو نوع، آن است که هر دو بر روی حق تأثیرگذارند، اگرچه یکی ایجادکننده حق است و دیگری از بین برنده آن. طبق این تعریف، گذشت زمان مملک یا مسقط حق است و واقعاً غاصب را ذی‌حق و مدیون را بری الذمه می‌کند.

۱) با ملاحظه مواد ۷۳۱ و بعد، از ق.آ.د.م. مصوب ۱۳۱۸ ه. ش که در مقام بیان و تشریح مرور زمان مدنی است این نتیجه حاصل می‌شود که مقررات مذکور جزء مقررات آمره نبوده و دادگاه رأساً حق اعمال این مقررات را نداشت بلکه توسط به‌مرور زمان و اجرا و اعمال مقررات آن از سوی محاکم موکول به اراده خواننده یا افراد ذینفع از مرور زمان بود و فقط در صورت ایراد آنان به مرور زمان دعوی که در جلسه اول محاکمات به عمل می‌آمد قاضی باید در صورت احراز مرور زمان قرار رد دعوی را صادر می‌کرد. (ماده ۷۳۲ ق.آ.د.م. مصوب ۱۳۱۸ ه. ش.)